Seientific-research Quartly of
Law Knowledge of
Khatam Al-Nabieen University

# Islam and Support for the Oppressed with a Case Study "Support for Hamas against Israel"

Mohammad Reza Marefat*

## Abstract

Support for the oppressed is reflected in Islamic law as an exception to the principle of prohibition of interference in the affairs of other countries. The purpose of this rule is to call on Muslims and Islamic governments to cooperate and provide comprehensive support to the oppressed who are under external aggression or internal oppression in different parts of the world, and to legitimize their support. The Palestinian-Israeli conflict has become one of the most controversial issues in legal terms today. This research aims to explain Islam's attitude towards the treatment of the oppressed, and especially the Hamas liberation movement, using a descriptive-analytical method and library resources. The results show that, given the lack of historical connection between Israelis and the Palestinian land (as claimed), and with a view to the political developments of the last century in Europe and America, which have been a fundamental and determining factor in the emergence of the Israeli state, and also with a close look at the violent practices and approaches of the Israelis against the Palestinian people, which are abundantly seen through the lens of investigative reports and speeches, statements, and interviews of Israeli leaders, Hamas' resistance is completely legitimate and can be considered a national liberation movement from the perspective of international law. Therefore, given the disparity in military and combat capabilities of the conflicting parties and the weakness and helplessness of the Palestinians against the Israeli war machine, the support of Islamic countries for Hamas as an active movement against Israel is justified, legitimate and necessary according to the principle of supporting the oppressed.

**Keywords:** Palestine, Hamas, supporting the oppressed, Islam and international law, Israel.

* Member of the academic staff of the Department of Law and Deputy Director of Student Affairs, Khatam al- Nabieen University (PBUH), Ghazni Branch marefat1994@gmail.com

[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

فصلنامه علمی-تحقیقی دانش حقوقی
دانشگاه خاتم‌النبیین(ص)
سال سوم، شماره‌ی هفتم، بهار ۱۴۰۴
صفحه ۱۵۰-۱۷۱

# اسلام و حمایت از مستضعفین با مطالعه موردی

## «حمایت از حماس در برابر اسرائیل»

محمدرضا معرفت*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۰

**چکیده**

حمایت از مستضعفین به‌عنوان استثنایی بر اصل منع مداخله در امور سایر کشورها در حقوق اسلامی بازتاب یافته است. هدف از این قاعده آن است که مسلمانان و حکومت‌های اسلامی را برای همکاری و حمایت همه‌جانبه از مظلومانی که در مناطق مختلف جهان زیر تجاوز بیرونی و یا ستم داخلی قرار می‌گیرند، فرابخواند و به حمایت آنها مشروعیت ببخشد. منازعه فلسطینی‌ها و اسرائیل امروزه به یکی از مسائل پرحاشیه از نظر حقوقی تبدیل شده است. این تحقیق با هدف تبیین نگرش اسلام در مورد رفتار با مستضعفین و به‌ویژه نهضت آزادی‌بخش حماس با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده و نتایج آن نشان می‌دهد که با توجه به عدم ارتباط تاریخی میان اسرائیلی‌ها و سرزمین فلسطین (آن‌گونه‌که ادعا می‌شود) و با نگرش به تحولات سیاسی یک قرن اخیر اروپا و آمریکا که عامل اساسی و تعیین‌کننده در ظهور دولت اسرائیل بوده است و نیز با دقت به رویه‌ها و رویکردهای خشونت‌بار اسرائیلی‌ها علیه مردم فلسطین که از دریچه گزارش‌های تحقیقی و سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و مصاحبه‌های رهبران اسرائیل به‌وفور دیده می‌شود، مقاومت حماس، کاملاً مشروع و از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند به‌عنوان نهضت آزادی‌بخش ملی تلقی شود. ازاین‌رو، با توجه به نابرابری توان نظامی و جنگی طرفین مخاصمه و ضعف و ناتوانی فلسطینی‌ها در برابر ماشین جنگی اسرائیل، حمایت کشورهای اسلامی از حماس به‌عنوان نهضت فعال در برابر اسرائیل طبق قاعده حمایت از مستضعفین موجه، مشروع و لازم است.

**واژگان کلیدی:** فلسطین، حماس، حمایت از مستضعفین، اسلام و حقوق بین‌الملل، اسرائیل.

* عضو کدر علمی دیپارتمنت حقوق و معاون امور محصلان، پوهنتون خاتم‌النبیین(ص)، شعبهٔ غزنی؛
ایمیل: marefat1994@gmail.com

[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

## مقدمه

حقوق بین‌الملل در اصـــل ناظر به روابط بین‌المللی دولت‌هاســـت. روابط دولت‌ها در نظام بین‌الملل صرفاً در یک حیطه خاص و مشخص خلاصه نمی شود؛ بلکه امروزه این روابط ابعاد و زوایای مختلفی به خود گرفته است که از برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی شروع می شود تا شناسایی دولت‌های جدیدالتأسیس و از آن گذشته به مسائلی مانند مخاصمات مســـلحانه بین‌المللی و چگونگی مواجهه با نهضـــت‌های آزادی‌بخش ملی و به مداخله و یا عدم‌مداخله در امور یکدیگر نیز تسری می‌یابد.

نزدیک به یک قرن مناقشات سیاسی و نظامی فلسطین و اسرائیل در جامعه بین‌المللی تبدیل به مسئله جدی شده است. تاکنون این موضوع با رویکردهای مختلفی بحث و بررسی شده است؛ اما آنچه در این نوشتار مورد نظر است آن است که حمایت از نهضت‌های ملی فلســطین و به‌ویژه نهضــت آزادی‌بخش حماس در مخاصــمات مســلحانه با اســرائیل از دید حقوق اسلامی بررسی شود. پاسخ به این مسئله مستلزم آن است که نخست، باید تعریفی از مستضعف در حقوق اسلامی ایراد شود و سپس وضعیت حقوقی حماس و نهضت‌های همگون آن با تعریف اسلام از مستضعفین بررسی شود. این مسئله هرچند تاکنون کانون توجه بسیاری از نویسندگان حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی قرار گرفته است، اما تحولات اخیری که با حمله نظامی ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نیروهای حماس فلسـطینی بر مناطقی اسـرائیل رقم خورده و حمله نظامی نامحدود اسـرائیل بر خاک نوار غزه را متقابلاً در پی داشـته اسـت که برای این مسئله ابعاد و زوایای حقوقی تازه‌ای گشوده که مستلزم بحث و بررسی دوباره است.

مسئله اصلی تحقیق این است که آیا حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش ملی فلسطین و به‌ویژه حماس می‌تواند در پرتو قاعده حمایت از مســتضــعفین امکان‌پذیر باشــد؟ پیشــینه تحقیق پیرامون این موضــوع نشــان می‌دهد که تاکنون تحقیقات زیادی پیرامون موضــوعات مربوط به فلســطین و اســرائیل صــورت گرفته اســت؛ اما این تحقیقات به‌ندرت به مســئله «حمایت از مستضعفین» پرداخته است و یا در صورت توجه به این مسئله با رویکرد تطبیقی به موضوع پرداخته و مطالعه موردی جنگ حماس و اسرائیل در آنها کمتر بازتاب یافته است. برای‌مثال، مقاله تحقیقی جاوید و محمدی (۱۳۹۲) که تحت عنوان «نســبت اصــل



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

عدم‌مداخله در حقوق بین‌الملل معاصر و اصل حمایت از مستضعفین در حقوق اسلامی» انجام شـده اسـت، هرچند به تبیین مبانی حقوقی و اخلاقی قاعده حمایت از مسـتضـعفین پرداخته، اما درنهایت به مقایسـه اصـل منع مداخله در حقوق بین‌الملل معاصـر و اصـل حمایت از مستضعفین در حقوق اسلامی بسنده نموده است.

اسلام‌پور کریمی (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان «دفاع از مظلوم طبق آموزه‌های اسلامی» نیز به تبیین منابع و مسـتندات دینی قاعده حمایت از مسـتضـعفین پرداخته و آن را با هیچ موضوع واقعی پیوند نداده است. اساساً، مطالعات تحقیقی پیرامون حمایت از مستضعفین با وجود اهمیت آن، پیشـینه زیادی ندارد. این تحقیق با درک همین ضـرورت و برای کمک به تلفیق مطالعات بنیادی-تحلیلی با موضـوعات واقعی انجام می‌شـود. این مقاله در چهار بخش تنظیم شده است که شامل، مفاهیم و مبانی نظری حمایت از مستضعفین، تحلیل موردی حمایت از حماس در برابر اسرائیل، تبیین چالش‌ها و نقدهای وارد بر قاعده حمایت از مستضعفین و نتیجه‌گیری می‌شود.

## الف)مفهوم مستضعف در حقوق اسلام

با بررسـی و مطالعه متون و تعالیم اسـلامی و با مراجعه به آراء و نظریات فقهی و علمی اندیشـمندان اسـلامی، به‌دسـت می‌آید که اسـلام با توجه به اهداف متعالی خود نمی‌تواند نسـبت به ظلم و بی‌عدالتی به برخی از انسـان‌های زیر سـتم بی‌تفاوت بماند. ازاین‌رو، انسان‌هایی که در وضعیت خاصی قرار داشته باشند و از هیچ نظری امنیت نداشته باشند و توان برون‌رفت از این وضعیت را نیز نداشته باشند، مستضعف معرفی نموده و حقوقدانان اسلامی به استناد به متون فقهی اسلام، مردم تحت تجاوز را «دارالاستضعاف» نامیده‌اند (جاوید و محمدی، ۱۳۹۲، ص ۵۶ و ۵۷). کسـانی که در «دارالاسـتضـعاف» زندگی می‌کنند، مستضعف نامیده می‌شوند که قدرت آزاد اندیشیدن، آزاد زیستن و امکان انجام مراسم و فرایض و آدابی را ندارند که مطابق عقیده و فرهنگ خود به آن علاقه‌مند می‌باشند و مسـتکبران و متجاوزان به‌دلیل اینکه بیداری و آزادی مسـتضـعفین را خطر بزرگی برای منافع خود می‌بینند، اقدام به سـلب آزادی‌ها و حقوق اولیه آنها می‌کنند و فرصـت زندگی و نفس کشیدن را از آنها می‌ستانند.



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

بنابراین، انسان‌هایی که در چنین وضعیتی زندگی می‌کنند و توان هیچ‌گونه دفاع از خود و یا نجات خود را ندارند دارای وضعیت حقوقی خاصی در اسلام دانسته شده‌اند که امروزه حقوقدانان اسلامی قاعده حقوقی مشخصی را برای آن یادآور شده‌اند که در گفتار پیش‌رو به آن پرداخته می‌شود.

## ب) مبانی حمایت از مستضعفین در حقوق اسلام

در تعالیم اسلامی، بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت مستضعفین قابل‌قبول نیست؛ بلکه تأکید شده است که باید برای نجات آنها اقدامی ازسوی دولت‌های اسلامی صورت بگیرد. به باور برخی اندیشمندان اسلامی، اقدامی که اسلام برای حمایت و نجات مستضعفین و آزادی «دارالاستضعاف» مطرح نموده است، جهاد تلقی شده است. منظور از جهاد در اینجا، جهاد ابتدایی است و جهاد ابتدایی به معنای جهاد غیر تدافعی است که با انگیزه‌های متفاوتی ممکن است صورت بگیرد. یکی از مصادیق جهاد ابتدایی این است که مسلمانان برای دعوت و فراخواندن غیرمسلمان‌ها به دین اسلام اقدام می‌کنند؛ اما با عمل خشونت‌بار آنها مواجه می شوند که در این صورت جهاد ابتدایی بر مسلمانان لازم می شود.[1] مصداق دیگری جهاد ابتدایی، یاری‌رساندن و همراهی با نهضت‌های آزادی‌بخش و مستضعفانی است که برای نجات خود در برابر ستم و استکبار جهانی می‌جنگند (همان، ص۶۴).

حمایت از مستضعفان افزون‌بر ستم خارجی که بر دارالاستضعاف صورت می‌پذیرد در مورد استبداد داخلی نیز قابل‌اجراست که از آن به نام «جهاد آزادی‌بخش» نام برده شده است. جهاد آزادی‌بخش عبارت از «جهاد برای آزادسازی ملت‌هایی است که زیر سلطه حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری، حیثیت، شرف، جان و مال آنان در معرض تاخت‌وتاز سلطه‌گرایان داخلی قرار گرفته است» (بیگدلی، ۱۳۹۳، ص۱۳۳). در این مورد بر تمامی کشورهای اسلامی لازم است تا مردم ستمدیده را، که قادر به دفاع از خود و برانداختن حکومت‌های ظالم خویش نیستند، یاری کنند و آنان را از قید بندگی برهانند. در این مورد شهید مرتضی مطهری می‌نویسد:

[1]. از نظر شهید مرتضی مطهری، این نوع جهاد، جهاد تدافعی است.



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

«این تهاجماتی که باید با آن مبارزه شود همه به این شکل نیست که طرف به سرزمین شما حمله کند. ممکن است طرف با ما نخواهد بجنگد؛ ولی مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به گروهی از انسان‌های دیگر بشود و ما قدرت داریم که آن انسان‌هایی را که تحت تجاوز و ظلم قرار گرفته‌اند، نجات دهیم. اگر نجات ندهیم درواقع، به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده‌ایم. ما در جایی هستیم که کسی بر ما تجاوز نکرده، ولی یک‌عده از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند یا غیرمسلمان، تحت تجاوز قرار گرفته، از خانه‌هایشان آواره شده و اموالشان به تاراج برده شده و انواع ظلم نسبت به آنها روا داشته شده است. در این مورد جایز است که از آنها حمایت نماییم و بلکه واجب است» (مطهری، ۱۳۹۶، ص۲۲).

وهبه الزحیلی، متفکر نامدار مصری، جنگ برای حمایت از مظلوم به‌گونه فردی یا جمعی را یکی از موارد مشروعیت جهاد اسلامی عنوان نموده و آن را برای تأمین مصلحت عمومی جامعه بشری لازم می‌داند (الزحیلی، ۱۴۱۰). زحیلی در این مورد به آیه شریفه ۷۵ سوره مبارکه نساء استناد نموده است که خداوند دستور می‌دهد به یاری مظلومین و افتادگان بشتابید که زیر ستم مستبدان از خداوند یاور و نگهدار طلب می‌کنند. قرآن کریم در آیات ۳۹ و ۴۰ سوره حج علت اذن در جهاد را «مظلومیت» و مورد ظلم واقع شدن و اخراج از کاشانه و آواره کردن مؤمنان از وطن خود توسط ستمگران می‌داند و دیگران را در یاری‌رساندن به مظلومین تشویق و ترغیب نموده است.

امام خمینی(رح) از دیگر اندیشمندان و فقهای معاصر اسلامی نیز حمایت از مستضعفین و نجات ملت‌های زیر ستم مستکبران را از وظایف دولت‌ها و ملت‌های مسلمان عنوان نموده است. وی ضمن تبیین موقف دولت اسلامی ایران در قبال ملت‌های زیر ستم، به‌ویژه به مسئله فلسطین و اسرائیل پرداخته و می‌نویسد: «ما طرفدار مظلوم هستیم. هرکسی در هر قطبی که مظلوم باشد، ما طرفدار آنها هستیم و فلسطینی‌ها مظلوم هستند و اسرائیلی‌ها به آنها ظلم کرده‌اند و ازاین‌جهت ما طرفدار آنها هستیم» (امام‌خمینی(ره)، ۱۳۶۱، ج۴، ص۳). برخی روایات نیز به حمایت از مستضعفین اشاره کرده و براساس بعضی روایات دیگر، مسلمانان باید به حل معضلات و گره‌گشایی یکدیگر اهتمام ورزند و در این راستا تلاش کنند. از جهت دیگر نیز باید به این نکته اساسی توجه کرد که براساس اصول و تعالیم



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

اسلام، جامعه اسلامی پیکره واحدی دانسته شده است که به‌موجب آن مسلمین نمی‌توانند در قبال یکدیگر بی‌تفاوت باشند. تبیین قاعده حمایت از مستضعفین که دستورالعمل حقوقی اسلام در مورد برخورد کشورهای اسلامی با مستضعفین می‌باشد، مستلزم تبیین اصل منع مداخله در امور سایر کشورهاست که در گفتار آتی به آن پرداخته می‌شود.

### ج) مطالعه موردی حمایت از حماس در برابر اسرائیل

مطالعه موردی پیرامون حمایت از نهضت اسلامی حماس در برابر اسرائیل، نخست، مستلزم شناخت نهضت آزادی‌بخش حماس و در پی آن تبیین پیشینه تاریخی سرزمین فلسطین و تحولات اخیر و رویه‌ها و رویکردهای دو جانب نسبت به یکدیگر است.

### جنبش مقاومت اسلامی (حماس)

حماس (حركة المقاومة الإسلامية) نام یکی از نهضت‌های آزادی‌بخش ملی فلسطین است. امروزه به‌عنوان یکی از نیروهای فعال و کنشگر در برابر اسرائیل شناخته می شود. اساساً، شکل‌گیری جنبش حماس مانند سایر جریان‌های سیاسی و نظامی مقاومت فلسطین ریشه در تأسیس دولت اسرائیل هم‌زمان با پایان یافتن قیومیت بریتانیا در تاریخ ۱۴می ۱۹۴۸ دارد. کشورهای عربی و اعراب روز تأسیس و اعلام موجودیت دولت اسرائیل را بدترین روز یعنی «یوم‌النکبه» نامیده‌اند. این موضوع سرآغاز شکل‌گیری نهضت‌های آزادی‌بخش ملی فلسطین بود که به‌منظور آزاد سازی سرزمینشان از تجاوز اسرائیل تاکنون فعالیت می‌کنند. هرچند شکل‌گیری نهضت‌های مقاومت فلسطینی پس از تأسیس اسرائیل متعدد بوده است که می‌توان از جنبش جهاد اسلامی فلسطین، سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) نام برد. این نهضت‌ها از نظر رویکرد و عملکرد گاه با هم مشترک و گاه نیز با یکدیگر متفاوت بوده است. چنان‌که جنبش جهاد اسلامی فلسطین از تأسیس تاکنون به مقاومت مسلحانه تأکید داشته و هدف اصلی خود را حذف اسرائیل از سرزمین فلسطین می‌داند (جاویدی، ۱۳۹۳، ص۷۶).

اما سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و به‌ویژه جریان فتح که از دیگر نهضت‌های مقاومت ملی فلسطین شناخته می‌شود، برخلاف جنبش جهاد اسلامی فلسطین موضع نسبتاً صلح‌جویانه‌تر در برابر اسرائیل داشته که در پی این سیاست، سازمان(ساف) به‌ویژه جناح


[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

فتح که امروزه جناحی مؤثر در کرانه باختری محسوب می‌شود، کشور اسرائیل را به رسمیت شناخته و قائل به راه‌حل دو دولتی است و در تلاش است که مشکلات موجود را از طریق ایجاد دولت مستقل فلسطین در کنار دولت اسرائیل حل نماید (جاویدی، ۱۳۹۳، ص۸۱).

در این میان، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) که ریشه در جریان فکری اخوان‌المسلمین مصر دارد، پس از شکل‌گیری انتفاضه اول علیه اسرائیل در سال ۱۹۸۷ توسط احمد یاسین با رویکرد دینی شکل گرفت. شکل‌گیری این جریان نتیجه فعالیت چندین ساله فکری و دینی اخوان‌المسلمین در غزه بود که پس از شکست صدای صلح‌طلبانه جریان فتح با اسرائیل، به‌طورجدی وارد عرصه سیاسی و نظامی شد. اساساً گفتمان‌های مقاومت فلسطینی در دو جریان بروز و ظهور پیدا نموده که یک جریان آن جریان استسلام است که سازمان آزادی‌بخش ملی فلسطین و به‌ویژه شاخه فتح آن را رهبری می‌نماید که موضع آن صلح‌جویانه و تفاهم با اسرائیل است و دیگر، جریان انتفاضه است که بیشتر به مبارزه مسلحانه با اسرائیل تأکید دارد و هرگونه صلح و توافق با اسرائیل را غیر از حذف کامل اسرائیل از سرزمین فلسطین رد می‌نماید (سادات، ۱۳۹۴، ص۸۱).

نماینده گفتمان انتفاضه در مقاومت فلسطین، جنبش جهاد اسلامی فلسطین و جنبش مقاومت اسلامی (حماس) است که امروزه حماس بیشترین سهم در فعالیت سیاسی و نظامی علیه اسرائیل ایفا می‌نماید. محبوبیت حماس در اواخر دهه نود و با شکست پیمان صلح اسلو گسترش چشمگیری پیدا کرده است و این محبوبیت با مرگ عرفات در سال ۲۰۰۴ به اوج خود رسیده است. اختلاف میان حماس و تشکیلات خودگردان فلسطین که توسط اعضای فتح رهبری می‌شد، افزون‌بر تفاوت در نگرش مبارزاتی، اندکی پس از انتخابات آغاز شد و کار به کودتای حماس علیه تشکیلات خودگردان فلسطین و جنگ آن دو با یکدیگر کشید. علت اصلی اختلاف این بود که حماس اصرار داشت وزیر کشور و وزیر دارایی حتماً از سوی حماس تعیین شود؛ اما تشکیلات خودگردان با این موضوع مخالف بود.

درگیری مسلحانه حماس و دولت فلسطین حدود یک هفته طول کشید و ۲۰۰ نفر در جریان آن کشته شدند. سرانجام حماس موفق شد بر نوار غزه مسلط شود و از آن زمان



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

تاکنون فلسطین در عمل به دو بخش تقسیم شده است: نوار غزه که توسط حماس کنترل می‌شود و کرانه باختری که توسط حکومت خودگردان فلسطین اداره می‌شود.

**د) مشروعیت مقاومت مسلحانه در فقه اسلامی**

در میان آموزه‌های اسلامی، فقه سیاسی احکام و قواعدی را تبیین می‌کند که در مورد مسائل مربوط به حکومت‌داری و تشکیل دولت اسلامی، روابط دولت‌های اسلامی با سایر دول، جنگ و صلح و موضوعات شبیه آن موجود می‌باشد. موضوعات شامل در فقه سیاسی امروزه در دو حوزه جداگانه تحقیق می‌شوند که اول به نام «فقه مقاومت» و دیگری تحت عنوان «فقه حکومت» شناخته می‌شوند (آصفی و نائینی، ۱۳۸۸، ص۲۱). پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی با استناد به آیات قرآنی و احادیث نبوی به تبیین مبانی دینی مقاومت مسلحانه پرداخته‌اند. این مقوله در قرآن کریم و در آیات متعدد و متفاوتی بازتاب یافته است. برای‌مثال، اصطلاحاتی مانند امر به صبر (آل‌عمران، ۲۰۰)، امر به استقامت ( شورا، ۱۵و هود، ۱۱۲) و امر به ثبات قدم (مقاومت) (بقره، ۲۵۰ و آل‌عمران، ۱۴۷ و انفال، ۱۱و ۴۵) از جمله مواردی است که می‌توان به‌عنوان مستندات قرآنی مقوله مقاومت مطرح نمود.

در فقه اسلامی، مفهوم مقاومت در دو بعد تجلی یافته است: بعد اول مربوط به ایستادگی در برابر ظلم و ستم رژیم داخلی است که ملت مسلمان را وادار می‌کند تا به‌منظور رهایی از استبداد حکومت‌های فاسد و ظالم اقدام نماید و این اقدامات ممکن است از مجاری امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، نفرت و خشم درونی و دوری از حکومت فاسد، تحریم اداری، اقتصاد و سیاسی رژیم و افشاگری در مورد فساد و ظلم آن صورت بگیرد. بعد دوم مقاومت در فقه سیاسی (مقاومت) مربوط به مبارزه علیه استکبار و اشغال خارجی و دفاع از کیان و موجودیت حکومت و کشور اسلامی است (ملکی، ۱۴۰۲، ص۱۹۲). اگر در مورد مقاومت داخلی میان مذاهب اسلامی اختلاف جزئی وجود داشته باشد، اما در مورد مقاومت علیه اشغال و تجاوز خارجی میان تمامی فرق اسلامی اتفاق‌نظر وجود دارد (آصفی و نائینی، ۱۳۸۸، ص۲۳).

مبانی فقهی مقاومت از طریق تکالیف شرعی مانند مبارزه با طاغوت و ستمگر، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، حرمت پذیرش ولایت ستمگران، نفی سبیل و سلطه کافران بر


[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

مسلمانان قابل‌تبیین است. با توجه به اختصاص این تحقیق به اسلام و حمایت از مستضعفین، به تبیین مختصر دیدگاه برخی از فقها در مورد مقاومت علیه استکبار و اشغال خارجی می‌پردازیم. یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی این نوع مقاومت، جهاد دفاعی است که در آیات مختلف قرآن کریم از جمله آیه ۳۹ سوره مبارکه حج تصریح شده است: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، چون به آنان ستم شده اذن جهاد داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان توانا ست». در مورد دیگر قرآن کریم یکی از اوصاف پیامبر گرامی اسلام(ص) را رأفت و رحمت برای مسلمین و دشمنی و مقابله با کفار مطرح می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمّد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربان‌اند» (فتح، ۲۹).

فقهای اسلامی نیز با استناد به آیات شریفه یادشده جهاد دفاعی را واجب دانسته و آن را از مسلمات فقه و تعالیم اسلامی عنوان نموده‌اند. شهید ثانی(رح) در این مورد می‌نویسند: اگر کفار به سرزمین اسلامی هجوم آورند و قصد تسلط به مسلمانان و چپاول منابع آنها را داشته باشند، جهاد دفاعی بر مسلمانان لازم می‌شود. علامه حلی نیز معتقد است که دفاع از جان، مال و ناموس بر همه مسلمانان واجب است و اگر کسی در این راه کشته شود، شهید است (ملکی، ۱۴۰۲، ص۱۹۵). حمایت از مقاومت در فقه اسلامی حکمی شبیه حکم مقاومت را دارد. خداوند متعال به حمایت از مستضعفین و آنهایی که توان مبارزه علیه اشغالگران را ندارند، آشکارا به دولت‌ها و ملل اسلامی دستور فرموده‌اند: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید و در راه (آزادی) جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که دائم می‌گویند: بار خدایا! ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود برای ما (بیچارگان) نگهدار و یاوری فرست» (نساء، ۷۵).

این آیه شریفه سند و حکم قاطع برای حمایت دولت‌های اسلامی از مسلمانانی است که در مناطق مختلف جهان مورد تجاوز و ستم قرار می‌گیرند و خود توان رهایی از زیر تجاوز و اشغال را ندارند. در مورد دیگر آیات شریفه قرآن کریم به ملت‌های زیر ستم حق می‌دهد



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

که اگر خود توان مبارزه و مقاومت را ندارند از سـایر ملت‌ها و دولت‌های اسـلامی یاری بطلبند: «وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ؛ و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفتند به انتقام گرفتن برخاستند، و کسانی که ستم کرده‌اند، به‌زودی خواهند دانست که به چه بازگشتگاهی بازخواهند گشت» (شعرأ، ۲۲۷). این بدان معناست کسانی که مورد ستم واقع می شوند، اگر قدرت مبارزه با ظالم را ندا شته با شند، این حق را دارند که طلب یاری نمایند (ارجینی، ۱۳۸۹، ص۷۵).

ابن ادریس یکی از فقهای اسـلامی در این زمینه می‌نویسـد: «اگر دشـمنی بر مسـلمین حمله کند به‌طوری‌که حاکمیت اسـلام که همان اصـل اسـلام و اجتماع اسـلامی اسـت در خطر افتد و یا اینکه جماعتی از مسلمانان به خطر افتند در این صورت جهاد و دفاع در برابر دشـمن بر مسـلمین واجب می‌شـود؛ البته مجاهدین باید در این حال، دفاع از خود و حریم اسلام و مؤمنین را قصد نمایند (آصفی و نائینی، ۱۳۸۸، ص۲۴).

برا ساس‌این، مفهوم مقاومت در آموزه‌ها و تعالیم ا سلامی و به‌ویژه فقه و اندیشه فقهای اسلامی از موضوعاتی مهم و درعین‌حال، وجیبه بسیار جدی دانسته شده که در هر شرایطی ممکن است مسلمانان در اطراف و اکناف جهان با آن مواجه شوند.

### ه) موضع علما در برابر حماس و اسرائیل

تبیین موضع علما، متشخصین و جریان‌های فکری جهان در مورد حماس و اسرائیل می‌تواند یکی از موارد مهم در تعیین وضعیت حقوقی آنها نسبت به یکدیگر باشد. بدون شک حماس و اسـرائیل هرکدام به‌عنوان یک واقعیت جدی در نظام بین‌الملل نمی‌توانند مورد انکار قرار بگیرند؛ اما اثبات حقانیت آنها افزون‌بر تبیین پیشـینه تاریخی سـرزمین فلسـطین، مسـتلزم بررسـی دیدگاه‌های علمای جهان در مورد آنها می‌باشـد. موضـع علمای جهان در مورد حماس و اسـرائیل در پرتو رفتارها و رویکردهای دو جانب نسـبت به یکدیگر نمود و ظهور پیدا نموده است. رویکردها و عملکردهای اسرائیلی‌ها نسبت به فلسطینی‌ها در زبان و گفتار بزرگان و رهبران اسرائیل به‌خوبی قابل تبیین است. آریل شارون از رهبران حزب لیکود یهود چنین می‌گوید: «باید به یاد داشـته باشـید که پدران و مادران ما به اینجا نیامده‌اند تا دولت


[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

یهود را تشکیل دهند و منشور استقلال تنها سندی است که به صورت آشکار و الزام‌آور ماهیت دولت اسرائیل را تعریف کرده است» (ابوحسنه، ۱۳۸۱، ص۸۸).

این سخن دو مطلب را آشکار می‌کند: نخست اینکه، رهبران یهود خود به این نکته معترف هستند که در سرزمینی حکومت گسترانیده‌اند که مربوط به اجداد و نیاکان آنها نیست و این خود مؤید بر غصب سرزمین فلسطین توسط یهودیان اسرائیلی است. دوم اینکه، مشروعیت دولت اسرائیل را در منشور استقلال[1] خلاصه نموده است و منشور استقلال هدف دولت اسرائیل را پذیرش مهاجران یهودی و جمع‌آوری آنان برای توسعه آن رژیم عنوان نموده است (اسلامی، ۱۳۹۳، ص۸۲). هدف مسجل در منشور استقلال بیانگر این است که دولت یهودی اسرائیل صرفاً دولت یهودی است و فرقی ندارد که این دولت براساس ناسیونالیسم یهودی پایه‌گذاری شده باشد یا بر اساس ایدئولوژی یهودی که مراد دین یهود است. درهرصورت، جمع‌آوری و پذیرش یهودیان از اطراف و اکناف جهان که هیچ‌گونه پیوندی با سرزمین فلسطین ندارند به‌منظور بسط و توسعه دولت اسرائیل بیانگر غاصبانه بودن تصرف متجاوزانه خاک فلسطین ازسوی یهودیان و دولت اسرائیل است.

افزون‌بر اهدافی که در منشور استقلال اسرائیل ذکر شده است و رهبران بزرگ احزاب یهودی به آن صحّه گذاشته‌اند، برخی از منابع اختصاصی یهودیان که در زمینه مسائل نظامی و امنیتی تدوین شده است نیز نشان از نقشه و رویکرد وحشتناک دولت اسرائیل برای تسلط بر خاک فلسطین و توسعه حاکمیت آنها در سرزمین فلسطین است. برای‌مثال، کتابی با عنوان «تاریخ ارتش زیرزمینی اسرائیل» در ۸ جلد ازسوی ارتش اسرائیل صرفاً به زبان عبری تدوین شده است که به‌نحوی می‌توان از آن به دکترین نظامی اسرائیل در خاک فلسطین تعبیر نمود. در ۱۰ مارچ ۱۹۴۸ برای جلوگیری از جنگ‌های احتمالی میان صهیونیست‌های اسرائیلی و جامعه عرب ازیک‌سو و مداخله کشورهای عربی ازسوی‌دیگر توسط جنرال «ایگال یادین» یکی از فرماندهان بخش عملیاتی ارتش اسرائیل به نام طرح (D) ارائه شده و به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای اجرا شده است. این کتاب نکات قابل‌توجهی را در این زمینه حکایت

[1]. این اعلامیه در ۱۴می ۱۹۴۸ توسط احزاب و سازمان‌های یهودی و صهیونیستی مبنی به اعلام استقلال دولت اسرائیل صادر شده است.



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

می‌نماید. طرح مذکور رویکردهای نظامی ارتش اسـرائیل را این‌گونه تعیین نموده اسـت: «اقدام علیه آبادی‌های دشـمن در داخل و یا نزدیک نظام‌های دفاعی ما با هدف جلوگیری از استفاده دشمن از این آبادی‌ها به‌عنوان پایگاه. این اقدامات باید به این صورت به اجرا درآید: تخریب روسـتاها با آتش زدن آنها، انفجار و مین‌گذاری آن روسـتاهایی که نمی‌توانیم به‌طور دائم کنترلشان کنیم، تحت کنترل درآوردن آنها به این صورت خواهد بود: محاصره روستا و جسـتجو در آن و در صـورت مقاومت سـاکنان آن، از بین بردن نیروهای مقاومت و اخراج جمعیت آنها به بیرون از مرزهای کشور» (کیمرلینگ، ۱۳۸۳، ص۲۸).

با توجه به اینکه طرح (D) به‌وضـوح رویکرد نظامی یهودیان را در قلمرو سـرزمینی فلسـطین نشـان می‌دهد، اسـاسـاً این طرح صـرفاً مانند دیگر نقشـه‌های نظامی در قفسـه‌ها نگهداری نشـده، بلکه با قدرت تمام به اجرا درآمده اسـت. در ۱۴ می ۱۹۴۸ دسـتور اجرای این طرح به واحدهای جنگنده صـادر شـده بود که طبق آن نیروهای ارتش حدود ۲۰ هزار کیلومتر از سـرزمین‌های فلسـطینی را تصـرف کردند؛ درحالی‌که طبق قطعنامه سـازمان‌ملل متحد به اسرائیل صرفاً ۱۴ هزار کیلومتر داده شده بود (همان، ص۲۹).

مایکل هافمن و موشه لیبرمن در کتاب «هولوکاست اسرائیلی» از عملیات مختلفی نام برده است که توسط ارتش اسرائیل نسبت به مردان، زنان، کودکان و اماکن شخصی و عمومی مردم فلسـطین انجام شـده اسـت. در بخشـی از این کتاب آورده شـده اسـت: «همسـایه‌ها می‌گویند در حدود ساعت ۹ صبح یک تانک اسرائیلی بدون هشدار قبلی موشکی به داخل خانه شلیک کرد، سپس یک بلدوزر زره‌پوش دیوارهای خانه را خراب کرد تا راه عبور تانک را باز نماید. احمد فشافشه ۵۰ ساله، همسرش سامری و پسرشان هشام نیز کشته شدند. دو پسر دیگرشان که ۱۱ و ۱۳ ساله بودند مجروح شدند» (هافمن و لیبرمن، ۱۳۸۸، ص۱۰۸) یا در موردی دیگر از جنایات هولناک پاک‌سـازی قومی توسـط ارتش اسـرائیل نویسـندگان کتاب مزبور چنین می‌نویسند: «علی مصطفی ابوثانی، معلم ۴۲ ساله فلسطینی تأیید کرد که تمام خانه‌های فلسطینیان توسط تانک‌های اسرائیلی و بلدوزرهای D-9 تخریب شدند. این معلم می‌گوید خانواده‌های زیادی از بین رفتند... افسران اسرائیلی که با روزنامه اسرائیلی هاآرتز مصـاحبه کردند، ادعاهای فلسـطینی‌ها در مورد خسـارات فراوان شـامل از بین رفتن خانه‌ها با بلدوزر را تأیید می‌کنند. همچنین آنها تأیید می‌کنند که سربازان اسرائیلی به سوی


[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

آمبولانس‌ها شـــلیک کرده‌اند تا نگذارند آنها مجروحان را به شـــفاخانه برســـانند» (همان، ص۱۱۲).

این نمونه‌ای از رویکردها و عملکردهای نظامی اســـرائیلی‌ها علیه فلســـطینی‌هاســـت که ازســـوی پژوهشـــگران تاکنون بازتاب پیدا کرده اســـت و موارد زیادی از این قبیل جنایت‌های جنگی وجود دارد که افزون‌بر غصب سرزمین‌های مردم فلسطین مرتکب شده‌اند که از طریق مخفی نمودن و به‌دور نگهداشـــتن از چشـــم رســـانه‌ها انجام شـــده اســـت. در مورد کشـــتار بی‌رحمانه فلســـطینی‌ها توســـط اســـرائیلی‌ها در جنین در ۱۱ آپریل ۲۰۰۲م نویســـنده کتاب «هولوکاســـت اســـرائیلی» نگاشـــته اســـت که در صـــبح ۱۲ آپریل ران کیتری، جنرال ارتش ا سرائیل، در م صاحبه کوتاه گفته بود: «... احتمالاً چند در صد فل سطینی ک شته شده‌اند». وقتی جنرال ارتش از میزان کشـــتار به «فیصـــدی» ســـخن می‌راند و نه به تعداد، خود بیانگر اقدامات بی‌رحمانه ا سرائیل نسبت به فلسطینی‌ها ست. نامبرده همچنان ادامه داده ا ست که «ترکیبی از ممنوعیت پوشـــش خبری رســـانه‌ها و روش زیرکانه‌ای که اســـرائیلی‌ها در پیش گرفته‌اند و این روش از بین بردن اجساد صدها تن از قربانیان فلسطینی، تقریباً تضمین کرده است تا هیچ عکس و گزارشی از تل اجساد فلسطینی تهیه نشود و تصاویر قتل‌عام فلسطینیان شبیه قتل‌عام یهودیان جاودانه و موجب ننگ صهیونیـ ست‌ها ن شود». وی همچنان در ادامه بیان دا شته ا ست که « در نظر مردم آمریکا و ا سرائیل، مردم فلسطین آن‌قدر بی‌ارزش هستند که بقایای اجساد آنها به این روش مخفی همراه با زباله‌ها گم‌وگور شود» (همان، ص۱۱۰).

هرچند برخی از جریان‌های فکری موجود در فلســـطین مثل جند انصـــارالله با توجه به تفاوت‌های فاحش در نحوه مبارزه با کفار و اســـرائیل، جنبش حماس را مســـاوی با اســـرائیل می‌دانند و در جریان حمله ا سرائیل به نوار غزه در سال ۲۰۰۸ بیانیه‌ای صادر نمودند که در آن به عدم‌حمایت از حماس تأکید شده بود و حماس را کافر دانسته بودند (سادات، ۱۳۹۴، ص۱۸۶). جنبش جندانصـــارالله با توجه به اینکه دارای دیدگاه جهادی تکفیری اســـت، نمی‌تواند از جایگاه جنبش حماس بکاهد؛ اما در عمل موانعی را ممکن اســـت برای قدرت بیشـــتر حماس خلق نمایند. با توجه به همه این موارد می‌توان چنین نتیجه گرفت که برخورد اســـرائیل و یهود علیه فلســـطین هم در ایده و هم در عمل مخالف همه موازین بین‌المللی و قواعد بشـــردوســـتانه حاکم بر جنگ اســـت. اســـاســـاً نوع نگرش آنها و اقداماتی که علیه



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

فلسطینی‌ها انجام داده‌اند همه بیانگر نوعی از تجاوز ارضی، غصب املاک، کشتن افراد غیرنظامی و تخریب اماکن شخصی و عمومی مردم فلسطین است و این خود حضور یهود و وجود دولت اسرائیل را در خاک فلسطین از منظر حقوق بین‌الملل و همه قوانین موضوعه بین‌المللی و اصول اخلاقی محکوم نموده و مشروعیت آن را بین می‌برد.

این طرح‌ها و اقدامات خشونت‌بار درحالی ازسوی اسرائیل علیه فلسطینیان انجام می‌شود که در بسیاری موارد رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل به مشروعیت نهضت‌های ملی و آزادی‌بخش مردم فلسطین اعتراف نموده‌اند و جنگ‌ها و مقاومت آنها را به‌عنوان دفاع از خود و سرزمین خود عنوان نموده‌اند. به‌عنوان‌نمونه، بن‌گورین که از مؤسسین حزب ماپای در سال ۱۹۲۰م و رهبر هیئت آژانس یهود از ۱۹۳۵- ۱۹۴۸ و نخستین نخست‌وزیر و وزیر دفاع اسرائیل در سال ۱۹۴۸م بوده است، در سخنرانی خود در سال ۱۹۳۸م چنین اعتراف نموده است: «...وقتی می‌گوییم که این اعراب بودند که جنگ را آغاز کرده‌اند و ما از خویشتن دفاع می‌کنیم، ما تنها نیمی از حقیقت را اظهار کرده‌ایم... از نظر سیاسی، ما آغازکننده جنگ بوده‌ایم و آنان از خویشتن دفاع می‌کنند. سرزمین سرزمین ایشان است؛ زیرا در آن زندگی می‌کردند؛ درحالی‌که ما می‌خواهیم بیاییم و در آن توطن یابیم و به‌موجب تصور آنان از چنگشان خارج سازیم» (المسیری، ۱۳۸۷، ص۱۶۵ و ۱۶۶).

در طرف دیگر، رفتارها و رویکردهای جنبش مقاومت اسلامی (حماس) است که از آغاز تأسیس آن در سال۱۹۸۷م تاکنون علیه اسرائیل انجام شده است. این اقدامات شامل ایجاد تشکل‌های نظامی و سیاسی به‌منظور نجات خود و آزادسازی سرزمینشان از سلطه و تجاوز اسرائیلی‌ها بوده است که با رویکرد انتفاضه و ستیز با اسرائیل انجام شده است. چنان‌که مایکل بن مائیر در روزنامه هآرتس مورخ ۲۰۰۲/۳/۳م نیز به این نکته اذعان نموده است: «انتفاضه، جنگی رهایی‌بخشی است که به دست ملت رنج‌دیده و با حقوق پایمال شده صورت می‌گیرد. لذا احساس مشروعیت جهادش به او توان می‌بخشد و به ادامه مبارزه، دلگرمش می‌کند، اسرائیلیان به منزله نیروی اشغالگر کودکان را می‌کشند و بدون محاکمه حکم اعدام را درباره اشخاص مورد نظر اجرا می‌کنند. ما محدودیت‌هایی ایجاد کرده‌ایم که زندگی میلیون‌ها انسان را به کابوس تبدیل کرده است» (المسیری، ۱۳۸۷، ص۱۷۵). جنگ‌های بزرگ فلسطینی‌ها در برابر اسرائیلی‌ها به‌طورکلی در دو انتفاضه یا قیام فلسطینی


[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

خلا صه می شود که یکی بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳ و دیگری در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ رخ داده اســت؛ اما آخرین اقدام نظامی جدی فلســطینی‌ها علیه اســرائیل، حمله نظامی ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به خاک ا سرائیل ا ست که با تعدادی زیادی از نفربرهای نظامی، شلیک راکت‌ها، پاراگلایدر و حمله به مناطق تحت کنترل اسرائیلی‌ها صورت گرفته است که حماس آن را اقدامی در پاسخ به ادامه اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیل، محاصره نوار غزه، گسترش شهرک‌های اسرائیل، افزایش خشونت شهرک‌نشینان اسرائیلی و تشدید تنش‌ها دانسته است (خبرگزاری الجزیره).

## ز) چالش‌ها و نقدها

با وجود مشــروعیت مقاومت مســلحانه در حقوق اســلامی اما برخی از چالش‌ها و نقدها نسبت به این موضوع وجود دارد. مغایرت مشروعیت مقاومت مسلحانه و حمایت از آن با نظم بین‌المللی و حقوق بشر غربی ازیک‌سو و محتمل بودن استفاده سیاسی از مفاهیم دینی به‌ویژه مفهوم مســتضــعف و حمایت از آن ازســوی‌دیگر می‌تواند به‌عنوان شــبهه‌های مطرح نسبت به موضوع مقاومت و حمایت از آن باشد. در مورد احتمال وجود چالش اول، بررسی رابطه اصــل حمایت از مســتضــعفین در حقوق اســلام با دو مقوله مداخله بشــردوســتانه و نهضــت‌های آزادی‌بخش ملی در حقوق بین‌الملل معاصــر می‌تواند تا حدی به تبیین مســئله بپردازد. بند ۴ ماده ۲ منشــور ملل‌متحد به اصــل منع توســل به زور تأکید نموده و در بند ۷ ماده ۲ همان سند، راجع به اصل منع مداخله در امور کشورها تصریح شده است. اما حق دفاع مشروع فردی و جمعی براساس ماده ۵۱ منشور و اقدامات شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر پایه فصل هفتم منشور، بر دو اصل پیش‌گفته استثنا وارد نموده و درعمل، در برخی موارد توسل به اقدامات خشونت‌بار و مداخله در امور کشورهای دیگر را تحت عنوان مداخله بشردوستانه مجاز دانسته است (جاوید و محمدی، ۱۳۹۲، ص۵۶ و ۵۷). نهضــت‌های آزادی‌بخش ملی نیز امروز با ســه شــاخص مبارزه با اســتعمار خارجی، مبارزه با اشغالگران، و مبارزه با ظلم و استبداد داخلی به‌عنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل مورد تأیید واقع شده است (هاشمی، ۱۳۹۴، ص۱۲۶). ازاین‌رو، می‌توان چالش و نقد اول وارد به قاعده حمایت از مستضعفین در فقه اسلامی را با وجود نهادها و مقوله‌های مشابه در حقوق بین‌الملل معاصــر پاســخ داد و چنین نتیجه گرفت که اســاســاً مداخله در امور دیگر



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

کشورها نه‌تنها طبق قاعده حمایت از مستضعفین در فقه اسلامی، بلکه در حقوق بین‌الملل معاصر نیز با به رسمیت شناختن مداخله بشردوستانه و نهضت‌های آزادی‌بخش ملی نیز بازتاب جدی دارد.

چالش دوم که احتمال استفاده سیاسی از مقوله‌های فقهی را مطرح می‌نماید نیز از منظر فقها و اندیشمندان اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. آیت‌الله خمینی(رح) به‌عنوان یکی از فقهای معاصر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، همواره به ارتباط میان دین و سیاست معتقد بوده و تأکید نموده است که قوانین سیاسی در اسلام بیشتر از قوانین عبادی است و همچنین بسیاری از قوانین عبادی دارای معانی و ابعاد سیاسی است (موسوی، ۱۳۹۶، ص۱۴).

آیت‌الله مصباح یزدی نیز که یکی از فقهای برجسته کنونی جهان اسلام است، پیرامون پیوند دین و سیاست چنین گفته است: «با مروری بر آیات کریمه قرآن ــ حتی اگر به روایات مراجعه نداشته باشیم ــ روشن می‌شود که سیاست متن اسلام است و ما اسلام بی‌سیاست نداریم. آن اسلامی که منبعش قرآن و سنّت است، ممکن نیست با سیاست بیگانه باشد» (محیطی اردکانی، ۱۳۹۵، ص۹۵). امام غزالی از اندیشمندان جهان اسلام نیز به این مسئله توجهی عمیق نموده است و باور دارد که سیاست در اندیشه اسلامی از دین و اخلاق جدا نمی‌باشد. وی در تبیین این موضوع با تأکید به رعایت عدالت و دوری از ظلم در حکومت‌داری اسلامی با استناد به حدیث پیامبر گرامی اسلام(ص) گفته است که بهترین سلطان کسی است که عدالت ورزد و از ظلم و فساد اجتناب نماید (عطارزاده، ۱۳۸۸، ص۶۳).

براساس‌این، اسلام و سیاست هرگز از هم جدا نیست و در مورد اینکه احتمال استفاده سیاسی از قاعده حمایت از مستضعفین ممکن است صورت بگیرد، در گام نخست، باید برداشت خود را از سیاست روشن نماییم. در نگاه اسلام، سیاست چیزی نیست که مغایر با قواعد و احکام فقهی اسلامی بروز و ظهور یابد. به‌دلیل اینکه سیاست اسلامی جزء دین اسلام بوده و انسان را به صراط مستقیم می‌کشاند و تمام ابعاد زندگی انسان را اعم از دنیا و آخرت شامل می شود (امام‌خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۳، ص۴۳۲). ازاین‌رو، اساساً طرح چنین نقد و چالشی که براساس آن احتمال استفاده سیاسی از مقوله حمایت از مستضعفین ازسوی



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

دولتمردان و حکومت‌های اسلامی صورت بگیرد، در سیاست اسلامی منتفی است؛ زیرا اصل آن است که از این مقوله و سایر قواعد مشابه باید استفاده سیاسی صورت بگیرد؛ به‌گونه‌ای‌که سیاست، سیاست اسلامی باشد نه سیاست شیطانی و سیاستی که مبتنی بر التواء (پیچش، انحراف و کژی) و افتراست. اسلام، ویژگی‌های این سیاست را دروغ‌گویی، حیله و تزویر و چپاول می‌داند که در اسلام جای ندارد؛ اما اگر سیاست اسلامی را مورد توجه قرار دهیم، نه‌تنها استفاده سیاسی از این مقوله‌ها چالش تلقی نمی‌شود، بلکه لازم است که با سیاست آمیخته شود و از این طریق به اجرا آورده شود.

## نتیجه‌گیری

حمایت از مستضعفین یکی از احکام مهم در نظام حقوقی اسلام است که در تنظیم مناسبات بین‌المللی حکومت اسلامی و مردم مسلمان با سایر ملل و جوامع نقشی اساسی و تعیین‌کننده دارد. رابطه فلسطین با اسرائیل و جنگ‌های جاری میان آنها که حدود یک قرن از عمر آن می‌گذرد و تاکنون قربانیان و خسارت‌های جانی و مالی هنگفتی را بر دو طرف به‌ویژه به جانب فلسطینی تحمیل نموده است، اکنون تبدیل به موضوع مهم و مسئله روز جامعه بین‌المللی شده است. جنگ‌های مستمری که همواره در اثر طرح‌های نظامی ارتش اسرائیل برای تحقق آرمان سیاسی خود با عملیات وحشتناک و خونبار به مردم مظلوم و بی‌دفاع فلسطین صورت گرفته است، مستلزم بحثی بود که اسلام و حمایت از مستضعفین را بررسی نماید که به نتایج ذیل دست یافته است:

الف) مستضعفین به‌عنوان گروهی از انسان‌هایی که در اثر ظلم داخلی و یا تجاوز خارجی توانایی برخورداری از حقوق و آزادی‌های اساسی خود را ندارند، مورد حمایت شریعت اسلامی هستند. اسلام برای حمایت از مستضعفین قاعده‌ای را وضع نموده که تحت عنوان «قاعده حمایت از مستضعفین» در فقه سیاسی اسلام بازتاب یافته است. قاعده حمایت از مستضعفین دولت‌های اسلامی را موظف می‌کند که در برابر سرنوشت مستضعفین عالم بی‌تفاوت ننشسته و از هر راه ممکن جهت رهایی آنها از زیر ظلم و ستم اقدام نمایند.



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

ب) مداخله در جنگ جاری میان حماس و اسرائیل می‌تواند در قالب مقوله «حمایت از مستضعفین» در فقه اسلامی بررسی شود. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به رویکردها و عملکردهای اسرائیل در برابر فلسطینی‌ها، می‌توان مردم فلسطین را به‌طورعام و ساکنین نوار غزه را به‌طورخاص در زمره مستضعفین قرار داد. ازاین‌رو، حمایت از نهضت آزادی‌بخش حماس می‌تواند دارای مبنای فقهی در فقه اسلامی باشد.

ج) علما و اندیشمندان جهان در مورد حماس و اسرائیل سخنانی زیادی گفته‌اند که می‌توان از سخنان و مواضع بزرگان، علما و رهبران کشورهای اسلامی و اسرائیل یاد نمود. درخصوص مشروعیت مقاومت مسلحانه حماس علیه اسرائیل حتی تعدادی از رهبران و بزرگان احزاب یهودی اسرائیل نیز معترف هستند.

د) حمایت از مستضعفین، مخالف نظم بین‌المللی و حقوق بشر غربی نیست؛ زیرا امروزه در حقوق بین‌الملل معاصر نیز مداخله بشردوستانه را به‌عنوان استثنایی بر اصل منع مداخله در امور دیگر کشورها به رسمیت شناخته و از سوی‌دیگر، نهضت‌های آزادی‌بخش ملی را نیز دارای مشروعیت بین‌المللی می‌داند که حمایت از مستضعفین نیز مشابه این مقوله است. همچنین، استفاده سیاسی از قاعده حمایت از مستضعفین نمی‌تواند به‌عنوان چالش و نقد نسبت به این مقوله تلقی شود؛ زیرا دین اسلام با سیاست اسلامی همراهی داشته و برای اجرای قاعده یاد شده، ضرورت جدی به استفاده سیاسی از آن وجود دارد. بنابراین، درصورتی‌که دولت‌های اسلامی با رویکرد سیاسی دینی به مقوله حمایت از مستضعفین بپردازند، نه‌تنها چالش ایجاد نمی‌کند، بلکه دولت‌های اسلامی را با هدف نهفته در قاعده یادشده نزدیک‌تر می‌کند.



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

## منابع


* قرآن کریم

۱) آصـفی، محمدمهدی، و غروی‌نائینی، محمد (۱۳۸۸). مبانی فقهی مقاومت مسـلحانه. فصـلنامه اندیشه تقریب، ۵(۱۹)، ۲۱- ۳۲.

۲) ابوحسـنه، نافذ (۱۳۸۱). دینداران و سـکولارها در جامعه اسـرائیل.تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

۳) ارجینی، حسین (۱۳۸۹). جایگاه اصل حمایت از مستضعفان و مظلومان در روابط خارجی دولت اسلامی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۷(۲۰).

۴) اسلامی، محسن (۱۳۹۳). سیاست خارجی اسرائیل. چ۲، تهران: امیرکبیر.

۵) الزحیلی، وهبه (۱۴۱۰). العلاقات الدولیه فی الاسلام. بیروت: دارالمکتبی.

۶) المسیری، عبدالوهاب (۱۳۸۷). تأثیر انتفاضه بر رژیم صهیونیستی، ترجمه احمد کریمیان. چ ۴، قم: بوستان کتاب.

۷) جاوید، محمدجواد، و محمدی، عقیل (۱۳۹۲). نسبت اصل عدم‌مداخله در حقوق بین‌الملل معاصر و اصل حمایت از مستضعفین در حقوق اسلامی. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۵(۱).

۸) جاوید، رقیه (۱۳۹۳). بازتاب انقلاب اسلامی بر سازمان جهاد اسلامی فلسطین. فرهنگ پژوهش، ۵(۱۸)، ۶۹ - ۸۸.

۹) خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(رح).

۱۰) زعیتر، اکرم (۱۳۸۲). سرگذشت فلسطین، ترجمه علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۱) سـادات، احمد (۱۳۹۴). گروه‌های سـلفی در نوار غزه و مواضـع آنها نسـبت به حکومت حماس. سیاست جهانی، ۴(۱)، ۱۸۶- ۲۰۱.

۱۲) سادات، سیداحمد (۱۳۹۴). روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های مقاومت اسلامی فلسطین- با تأکید به جنش جهاد اسلامی. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام. ۴(۱۶)، ۷۷- ۱۰۵.

۱۳) صـفاتاج، مجید (۱۴۰۰). چرایی حمایت از مقاومت فلسـطین. ماهنامه پاسـدار اسـلام، ۴۰، ۴۶۹- ۴۷۰.

۱۴) ضیایی بیگدلی محمدرضا (۱۳۹۳). اسلام و حقوق بین‌الملل. تهران: گنج دانش.

۱۵) ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: گنج دانش.

۱۶) بی‌نا (۱۳۷۹). فلسطین از دیدگاه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱۷) عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۸). دین سیاسی یا سیاست دینی از نگاه امام محمد غزالی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. ۱(۲)، ۵۷ - ۷۸.





[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]

[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]

۱۸) کیمرلینگ، باروخ (۱۳۸۳). انهدام سیاسی: نسل‌کشی فلسطینی‌ها در اسرائیل آریل شارون. ترجمه حسین گلریز، تهران: نشر نی.
۱۹) متکی، منوچهر (۱۳۸۷). نگاهی به مسئله آزادی فلسطین و قدس شریف. ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، ۲۲۴.
۲۰) محیطی اردکانی، محمدعلی (۱۳۹۵). رابطه دین و سیاست از دیدگاه آیت‌الله مصباح. مجله معرفت، ۲۵(۲۲۶)، ۹۵- ۱۰۵.
۲۱) مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). جهاد. تهران: صدرا.
۲۲) معرفت، محمدرضا (۱۴۰۲). حقوق بین‌الملل عمومی. کابل: انتشارات صبح امید.
۲۳) ملکی، علی (۱۴۰۳). تبیین مبانی فقهی مقاومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. دو فصلنامه سیاست اسلامی، ۱۱(۲۳)، ۱۸۸- ۲۰۹.
۲۴) موسوی، سیدصدرالدین (۱۳۹۶). تبیین مفاهیم دوگانه (مستضعفین- مستکبرین) در منظومه فکری امام خمینی(رح) و هویت‌یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام. ۳(۱۳)، ۷- ۳۶.
۲۵) هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۴). حقوق و تکالیف نهضت‌های رهایی‌بخش در مخاصمات مسلحانه از نگاه فقه و حقوق جزای بین‌الملل. مجله حقوق اسلامی، ۱۲(۴۵)، ۱۲۵- ۱۵۸.
۲۶) هافمن، مایکل، و لیبرمن، موشه (۱۳۸۸). فلسطینی‌کشی، ترجمه محمدرضا عادلی. ترجمه محمدرضا عادلی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).



[ Downloaded from srqjl.knu.edu.af on 2026-02-05 ]
[ DOI: 10.62134/srqjl/v3.i7.202506.150 ]